فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۱۱۵ – ۱۳۲

بررسی نقش مواصلاتی بصره با مناطق هم‌سایه‌اش

(سده‌های اول تا سوم هجری)

سیّدابوالقاسم فروزانی*
بهادر شهریاری**

چکیـده

بصره در نخستین سده‌های تاریخ هجری، از سـکونت‌گاهی کوچـک بـا سـاختمان‌هایی نیمه‌ویران، به شهری بزرگ و بندرِ تجاریِ پررونقی بدل گشت. اصلی‌ترین عامـل رشـد اقتصادی و سیاسی فراوان بصره، جایگاه یگانه ارتباطی‌اش بود؛ یعنی هم از راه زمینی با مناطق مختلف پیوند داشت و به آسانی با آنها مرتبط می‌شد و هـم از راه دریـایی. واقـع شدن بصره کنار خلیج فارس و رودهای پرآب دجله و فرات، زمینه را برای رفت و آمد با نواحی دوردست فراهم می‌کرد. چنین امکانات و زمینه‌های مطلوب ارتباطی، موجب شد که از آغاز دوران اسلامی، نخست گروه‌های سیاسی و نظامی؛ سپس بازرگانان از بسـتر ارتباطی آن‌جا برای رسیدن به هدف‌های سیاسی و تجاری خود بهره گیرد. این کـار بـه پیش‌رفت بصره در حوزه‌های گوناگون و شکوفا شدن استعدادهایش انجامید. این مقالـه با روش توصیفی ـ تحلیلی جایگاه ارتباطی بصره را با دیگر مناطق برمی‌رسد.

کلیدواژگان

بصره، ارتباط تجاری، خلیج فارس، دجله و فرات.

* دانشیار دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران .foroozani_s_a@yahoo.com

** دانشـجوی دکتـری تـاریخ ایـران بعـد از اسـلام دانشـگاه شـیراز، گـروه تـاریخ، شـیراز، ایـران. b.shahriary1986@yahoo.com.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

مقدمه

ظهور اسلام و فتوحاتی که با هدف گسترش اسلام صورت پذیرفت، به تغییر و تحولاتی فراوانی در زمینه‌های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در قلمرو اسلامی انجامید. برای نمونه، چهره جغرافیایی تازه‌ای در منطقه‌ای پدید آمد که دین جدید در آن گسترش یافته بود. پیدایی شهرهای نو، رونق گرفتن یا از رونق افتادن برخی از شهرها بر اثر جغرافیایِ جدید نیز از تحولاتی منسوب به دوران اسلامی بود.

بصره از شهرهایی به شمار می‌رفت که در زمینه چنین تغییراتی، از جایگاه درخوری برخودار شد و همین جایگاه به رشد گسترده آن انجامید. این شهر در منطقه بین النهرین قرار گرفته بود که از دوران پیش از اسلام نیز اهمیت ویژه اقتصادی، سیاسی و ارتباطی داشت. بین‌النهرین که در دوره‌های تاریخی با نام‌های گوناگونی از آن یاد شده است، از دید فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آوازه‌ای دیرین و اهمیتی ویژه داشته و دولت‌های گوناگون همواره بدان‌جا توجه می‌کردند. نقش و جایگاه ارتباطی از مهمترین ویژگی‌های این منطقه به شمار می‌رفته است. غنای اقتصادی بین النهرین نیز بر ارزش ارتباطی‌اش می‌افزود.

بین النهرین منطقه‌ای حاصل‌خیز بود که محصولات فراوان کشاورزی و باغی تولید می‌کرد (اقتداری، ۱۳۸۹، ۴۱). محصولات «مازاد» داخلی این منطقه بنابر زمینه ارتباطی شایسته‌اش، به دیگر مناطق هم‌سایه صادر و موادی نیز از دیگر مناطق بدان‌جا وارد می‌شد. بنابراین، بخش فراوانی از روابط بین النهرین با سرزمین‌های همسایه‌اش، در قالب تعاملات بازرگانی صورت می‌پذیرفت. هم‌چنین پاره‌ای از تنش‌های دو طرف نیز از مسائل تجاری سرچشمه می‌گرفت (کینگ، ۱۳۷۸، ۲۱۴ ـ ۲۱۵). عیلام از مناطقی شمرده می‌شد که تاریخ بلند روابطش با بین النهرین، بر پایه داد و ستدهای بازرگانی استوار بود. برخی از اختلاف‌ها میان آنان نیز از مسائل مرتبط با بازرگانی برمی‌آمد (همان، ۷ و ۱۷۲؛ محمودیان، ۱۳۸۰، ۶۱-۶۲). راه‌های تجاری از جنوب و خلیج فارس تا مناطق شمالی، سوریه و مدیترانه، فعال بودند. راه فرات به بین النهرین شمالی و کناره‌های مدیترانه، راه اصلی تجارت بابل به شمار می‌رفت (مجیدزاده، ۱۳۷۶، ۱۲۳-

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

۱۵۹). دولت‌های مستقر در بین النهرین همواره می‌کوشیدند که این مسیر را باز نگاه دارند (کینگ، ۲۱۴–۲۱۵). پیش‌رفت این منطقه، وام‌دار روابط گسترده تجاری جنوب بین النهرین و سرزمین‌های شمالی و غربی بوده است. از سوی دیگر، ساکنان این منطقه با ساکنان بندرها و جزیره‌های خلیج فارس و نواحی فراتر از آن نیز روابط تجاری برقرار می‌کردند (کینگ، همان، ۶) که با توجه به اوضاع سیاسی و اقتصادی، کاستی و فزونی می‌گرفت.

باری، ارزش و اهمیت اقتصادی و ارتباطی منطقه پیرامونی بصره در دوران باستان به اندازه‌ای بود که همواره دولت‌های گوناگون به دنبال چیرگی بر این ناحیه مهم اقتصادی و به دست گرفتن مسیرهای بازرگانی‌اش بودند. اهمیت این منطقه در دوران اسلامی نه تنها کاهش نیافت که جایگاه، ارزش و اعتبار بیشتری یافت و با پیدایی بصره، آرام آرام به شهری توسعه‌یافته و مترقی بدل گشت؛ یعنی جایگاه خانه‌های نیمه‌ویران اواخر دوره ساسانی، به شهری بزرگ و پرجنب و جوش و بندر مهم بازرگانی در دوران اسلامی، بدل شد. بصره در سده‌های اول تا سوم هجری بر اثر قرار گرفتنش در مسیر ارتباط بازرگانی شرق و غرب، در سنجش با دیگر بندرهای خلیج فارس، از جایگاه برجسته‌تری برخوردار بود و کاروان‌ها و کشتی‌های تجاری، میان بصره و مناطق خارج از حوزه جهان اسلام و بندرهای شرقی آسیا و آفریقا رفت و آمد می‌کردند[1].

۱. با آغاز دوران اسلامی و در بافت جدیدِ جغرافیاییِ پدید آمده، بیش از گذشته به بصره توجه می‌کردند. نواحی و ممالکی که اسلام در آنها گسترش یافته بود، منطقه بسیار مهمی را میان دریای مدیترانه و اقیانوس هند در برمی‌گرفت. این منطقه، مسیر ارتباطی و رابط ممالک شرقی و غربی به شمار می‌آمد (لومبارد، ۷۹). پیش از دوران اسلامی نقاط مختلف این منطقه در دست گروه‌ها و دولت‌های گوناگونی بود: دین جدید و فتوحاتپس از ان، بیشتر این منطقه پراکنده را یک‌پارچه کرد. تغییر جهت مسیر مبادله بازرگانی غرب و شرق و استفاده بیشتر از حوزه خلیج فارس برای رفت و آمد، از مهم‌ترین پی‌آمدهای پیدایی جغرافیای اسلامی جدید بود. پیش از این، دو حوزه دریای سرخ و خلیج فارس در تبادل مبادلات بازرگانی شرق و غرب تأثیرگذار بودند، اما با یک‌پارچه شدن آن منطقه و قرار گرفتن هر دو مسیر در قلمرو اسلامی، به استفاده از جایگاه ارتباطی خلیج فارس بیشتر توجه می‌کردند. مسیر بازرگانی دریای سرخ پیش از این، پررونق‌تر بود و بازرگانان آن‌جا در آن فعال‌تر بودند، اما بر اثر ویژگی‌های راه ارتباطی خلیج فارس در برقراری ارتباط با شرق و غرب، در سه قرن نخست هجری بازرگانان بیشتر از این مسیر بهره می‌گرفتند. بنابراین، بصره جدید در دوران

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

چه عامل یا عواملی به جهش بصره و رشد جایگاه آن انجامید؟ این مقاله فرض می‌گیرد که رشد سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه تجاری ـ بازرگانی بصره، وام‌دار جایگاه و استعدادهای ارزش‌مند ارتباطی‌اش بوده است. این ویژگی بنیادی‌ترین عامل توسعه بصره در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه کارهای بازرگانی به شمار می‌رفت.

پیدایی بصره در دوران اسلامی

بصره کنار اروند رود و کرانه جنوبی آن ساخته شد (هفدهم هجری قمری). «عامل و بستر مطلوب ارتباطی» را از برجسته‌ترین امتیازهای بصره دانسته‌اند که بر پایه آن، خلیفه و فرماندهان مسلمان را به سوی خود کشاند؛ چنان‌که نیروهای مهاجم مسلمان را در آن‌جا مستقر کردند. سپاهیان مسلمان در آن زمان با استفاده از استعدادهای ارتباطی بصره، زمینه را برای حمله به مناطق مهم دیگری مانند ایران، جزیره و ساحل‌های خلیج فارس و فتح آنها فراهم آوردند. پادگان بصره از آن زمان، به رشد و توسعه روی نهاد (مکی، ۱۳۸۳، ۱۰۴–۱۰۵) و گروه‌های مختلف مسلمانان بدان‌جا روی آوردند. بنابراین، عامل توجه فرماندهان مسلمان به بصره در دوران اسلامی، بستر ارتباطی بصره و جایگاه مهمش بود.

زمانی که نیروهای مسلمان در مرزهای شرقی به فتوحات سرگرم بودند، عتبه بن‌غزوان از فرماندهان سپاهیان مسلمان، به پیشبرد فتوحات در منطقه بین النهرین جنوبی، ناحیه سواد و مرزهای ایران فرمان یافت. خلیفه دوم او را به اسکان سپاهیان در نقطه‌ای مناسب مأمور کرد. عُمر از او خواسته بود تا با استقرار نیروهای خود در ناحیه عراق، فتوحات را در خاک ایران و دیگر مناطق هم‌سایه فتح نشده‌اش، دنبال کند (دینوری، ۱۳۸۳، ۱۴۸) و محلی را خارج از جزیره‌العرب برگزیند که کم‌ترین موانع را در برقراری ارتباط آسان با مدینه داشته باشد (حموی بغدادی، ۱۳۸۳، ۱، ۵۵۴–۵۵۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ۸، ۳۵۱) تا بنابر نیاز، حاکم مدینه بتواند بدان‌جا نیرو گسیل کند.

اسلامی، ورودی خلیج فارس در رأس شمالی‌اش به شمار می‌آمد و از دیگر جای‌ها مهم‌تر می‌نمود و فعالان تجاری میان مناطق غرب و شرق برای جابه‌جایی کالاهایشان، بیشتر به استفاده از مسیر خلیج فارس می‌گراییدند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

خلیفه نقطه خاصی را برای استقرار سپاهیان در آن‌جا معین نکرده، بلکه تنها تأکید کرده بود که آن محل از دید «ارتباطی»، جایگاه مناسبی برای پیش‌بُرد عملیات نظامی داشته باشد. چند ویژگی در این‌باره، مطلوب خلیفه بود: ۱. امکان‌پذیری آسان گسیل نیرو از مرکز خلافت (مدینه) به آن‌جا؛ ۲. امکان‌پذیری پشتیبانی نیروهای مهاجم مسلمان که به گسترش عملیات فتوحات سرگرم بودند؛ ۳. امکان‌پذیری قطع پیوند نیروهای دشمن با یک‌دیگر (طبری، ۱۳۷۵، ۵، ۱۷۶۷ و ۴، ۱۶۵۲). بنابراین، تسلط بر بصره به قطع مسیر ارتباطی نیروهای ایرانی برای پشتیبانی یک‌دیگر، می‌انجامید. بصره تنها جایی بود که ویژگی‌های مطلوب خلیفه را داشت. هنگامی که عتبه بن‌غزوان به عراق رفت، به گفته مقدسی، بصره را «مرکزی» برای ارتباط با دیگر نواحی برگزید و نیروهایش در آن‌جا ساکن شدند (مقدسی، ۱۳۶۱، ۱، ۱۶۲). مسلمانان از این زمان به بعد بنابر امتیاز ویژه خود (چیرگی بر بصره)، روند گسترش فتوحات را به‌آسانی و با شتاب پی گرفتند.

گروه‌های فراوانی از مسلمانان آرام آرام در آن‌جا ساکن شدند و پیوسته به توسعه آن‌جا افزودند. از آن زمان، دو دوره مهم در روند تحولات آینده بصره رقم خورد: ۱. قرن اول و اوایل قرن دوم هجری که کارکرد ارتباطی بصره در آن زمان بیشتر دست‌یابی به مقاصد سیاسی و نظامی بود؛ ۲. قرن دوم به‌ویژه قرن سوم هجری که در آن زمان فعالیت‌های تجاری و بازرگانی بصره به اوج رسید و کارکرد ارتباطی‌اش بیشتر به گسترش بازرگانی می‌انجامید.

۱. تأثیر ویژگی ارتباطی بصره در تحولات سیاسی ـ نظامی

مسلمانان در نیمه نخست سده اول هجری، از ویژگی ارتباطی بصره بیشتر برای دست‌یابی به هدف‌های نظامی و سیاسی بهره می‌بردند. بصره از مهم‌ترین پایگاه‌های پشتیبانی نیروهای مهاجم مسلمان در تصرف بخش‌های فراوانی از مناطق داخلی ایران به شمار می‌رفت. نیروهای مستقر در بصره با استفاده از گنجایی ارتباطی فراون آن‌جا، عملیات نظامی‌شان را به سوی شرق پیش بردند.

حاکمان بصره اوایل دوران اسلامی همواره نیروهایی را از آن‌جا برای گرفتن مناطق

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

داخلی و شرقی ایران می‌فرستادند (بلاذری، ۱۳۴۶، ۲، ۵۶۱). بصره محل تجمع نیروهای پشتیبانی و انبار تسلیحات آنان در فتح نواحی مختلف ایران بود (قزوینی، ۱۳۷۳، ۳۴۵). مأموریت اصلی عتبه بن‌غزوان و دیگر حاکمان منصوب بر بصره، پی‌گیری کار فتوحات در مناطق داخلی ایران بود.

ابوموسی اشعری از فرماندهان مسلمانی که پس از عتبه بن‌غزوان به حکمرانی بر بصره گمارده شد، به فتوحات فراوانی در نواحی جنوبی ایران دست گشاد. بیشتر کارهای او یا در قالب عملیات مستقیم برای فتح مناطقی مانند اهواز و شهرهای آن صورت می‌گرفت یا در قالب پشتیبانی از امیرانی که به جنگ می‌پرداختند (ابن العبری، ۱۳۷۷، ۱۳۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ۱، ۵۵۳). دیگر فرماندهان و حاکمان مسلمان بصره نیز بدین شکل با مناطق مختلف ایران مرتبط بودند. گرفتن مناطق مرکزی ایران، فارس و اصفهان و حتی مناطقی همچون خراسان و فراتر از آن، از طریق پایگاه پشتیبانی بصره صورت می‌گرفت. عبدالله بن‌عامر بن‌کریز از دیگر فرماندهانی بود که در گرفتن شهرهای مهمی از فارس تأثیر گذارد. کرمان و سیستان به ترتیب از دیگر سرزمین‌های مفتوح به شمار می‌رفتند.

بخش‌های بسیاری از نواحی و شهرهای داخلی ایران کنار رشته کوه‌های زاگرس، بر اثر پشتیبانی مستقیم نیروهای فرستاده از بصره فتح شد. رقابت دو پادگان بصره و کوفه در دست‌یابی به مناطق بیشتری از ایران، در این زمینه بسیار مؤثر بود. شهرهایی از ایران که به همین سبب بعدها «ماه الکوفه» و «ماه البصره» لقب گرفتند. آمد و شد نیروهای نظامی مستقر در پادگان بصره تا نیمه‌های قرن نخست هجری پیوسته با شهرهای نیمه جنوبی و غربی ایران برقرار بود. این روابط با هدف فتح یا سرکوب حرکت‌هایی صورت می‌گرفت که گاهی در برخی از این شهرها روی می‌داد. این ارتباطات در آیندهٔ روابط بصره با مناطق داخلی ایران تأثیر گذارد. بخش فراوانی از رفت و آمدهای پادگان بصره به مناطق داخلی ایران، از طریق مسیر جلگه خوزستان صورت می‌پذیرفت؛ مسیری که از دوره‌های پیشین پدید آمد و بین النهرین جنوبی با شهرهای داخلی ایران از آن‌جا به یک‌دیگر مرتبط بودند. این ویژگی پادگان کوفه، امتیازی برای آن به شمار می‌رفت؛ زیرا نیروهای کوفی بارها ناگزیر می‌شدند برای حرکت به سمت مناطق غربی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

و شمال غربی ایران از مسیرهای دشوار میان رشته‌کوه‌های زاگرس بگذرند، اما نیروهای بصره در خط ارتباطی بهتری با ایران داشتند و آسان‌تر به بخش‌های داخلی ایران، دسترس داشتند. بنابراین، حاکمان بصره را از فرماندهان و فاتحان اصلی سرزمین ایران می‌توان برشمرد.

جایگاه مهم بصره در دوره‌های بعد از فتوحات نیز در زمینه ارتباط با مناطق دیگر محفوظ ماند و تا روی کار آمدن دولت‌های نیمه‌مستقل، اداره بخش‌های مهمی از ایران بر عهده حکومت بصره بود (اشپولر، ۱۳۷۳، ۲، ۶۵؛ ملایری، ۱۳۷۹، ۲، ۷۵). تصرف ایران و اداره آن، به رفت و آمدهای فراوانی میان بصره و شهرهای مختلف ایران می‌انجامید. از این‌رو، «حاکمان بصره» چنان‌که از نخستین «فاتحان مناطق داخلی ایران» بودند، از «اولین اداره‌کنندگان» بخش‌هایی از ایران نیز به شمار می‌رفتند.

۲. تأثیر ارتباطی بصره در رونق بازرگانی

دیگر مرحله تاریخ جدید بصره در دوران اسلامی (قرن دوم و سوم هجری)، زمانی فرارسید که پس از فروکاهش فتوحات، نیروها و گروه‌های گوناگون ساکن در آن‌جا، آرام آرام از عملیات نظامی (در قالب فتح نواحی شرقی) دست کشیدند و به کارهای معیشتی پرداختند. شمار فراوان نیروهای مستقر در بصره عاملی بود که آنان را به کار اقتصادی برای گذران زندگی‌شان وامی‌داشت. بصره وضع مطلوبی برای فعالیت‌های کشاورزی و باغ‌داری داشت. سرگرم شدن گروه‌های فراوانی از ساکنان آن‌جا به کار، موجب شد که در زمان کوتاهی «مازاد تولید» پدید آید و از این روی که بصره زمینه ارتباطیِ درخوری داشت، زمینه نیکویی برای داد و ستدهای بازرگانی فراهم آمد. مسلمانان آرام ارام با استفاده از محصولات تولیدی مازاد نیاز داخلی خود، از جایگاه ارتباطی بصره برای کارهای تجاری سود بردند. غنای سرزمینی بصره، حضور نیروی انسانی (کار) در آن‌جا و استعداد ارتباطی بصره نیز «زمینه صادرات» کالاهای مازاد و «امکان ورود» کالاهایی را فراهم آورد و به همین سبب، ساکنان بصره آرام آرام به کار بازرگانی پرداختند و این شهر به بندری تجاری بدل گشت. کارهای تجاری در بصره به اندازه‌ای رونق گرفت که به جایگاهی برای «بازرگانی» معروف شد (همان، ۱،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

۴۷ – ۱۶۳).

۱-۲. هم‌سایگی با خلیج فارس

نزدیکی بصره با خلیج فارس، از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن بود که در توسعه کارهای تجاری آن‌جا، تأثیر گذارد. بصره نقطه‌ای بندری و متصل به دریا و با مناطق مختلف ساحلی خلیج فارس و نواحی دورترش[۱]، پیوند داشت (همان، ۱، ۱۷۱– ۱۷۲– ۱۷۸). بندر بصره از طریق خلیج فارس که به آب‌های آزاد متصل می‌شد، با بندرهای شرق آفریقا و آسیا نیز مرتبط بود. افزونن بر این، قرار گرفتنش در «رأس شمالی» خلیج فارس بر امتیاز بیشتر بندر بصره در سنجش با بندرهای خلیج فارس می‌افزود؛ زیرا زمینه چیرگی بیشتر بصره را بر حوزه‌های کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس فراهم می‌کرد و به آسانی می‌توانست به هر دو حوزه ساحل‌ها دسترس داشته باشد. به همین سبب، بصره هم با بحرین و عمان (ساحل جنوبی خلیج فارس) روابط بسیار نزدیک بازرگانی برقرار کرد و هم با اهواز، دورق، آبادان جنابه، بوشهر، سیراف و دیگر بندرهای ساحل‌های شمالی خلیج فارس[۲]، به تعاملات تجاری فراوانی می‌پرداخت (مسعودی، ۱۳۶۵، ۳۳۸– ۳۳۹).

بسیاری از کارهای تجاری مردم بصره با هند از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت (حموی بغدادی، همان، ۱، ۱۸؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ۱، ۴۶). به همین سبب بصره را سرزمین هند نیز می‌خواندند (طبری، همان، ۵، ۱۷۶۸ ـ ۱۷۷۰؛ حموی بغدادی، همان، ۱، ۵۵۶؛ ابن‌اثیر، همان، ۸، ۲۸۱؛ مسعودی، ۱۳۴۷، ۱، ۶۷۶). موثق‌ترین گزارش‌ها درباره وجه تسمیه بصره می‌گویند که بصره جای تخلیه سنگ‌های سیاه بزرگ در کشتی‌های بازرگانی بود. این کشتی‌ها از نقاط دوردست می‌آمدند و آنها را با آن سنگ‌ها

۱. منابع تاریخی و جغرافیایی در تقسیم‌بندی‌ها و تعیین اقلیم‌های زمین درباره ارتباط بصره با خلیج فارس، بیشتر بصره را در حوزه دریاها و نواحی ساحلی آن آورده‌اند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ۱، ۳۴۷؛ طاهر مقدسی، ۱۳۷۴؛ ۲، ۵۸۰ ـ ۵۹۰؛ مسعودی، ۱۳۴۷، ۱، ۱۴۷؛ حموی بغدادی، ۱۳۸۳، ۱، ۴۳۹؛ مسعودی، ۱۳۶۵، ۵۰–۵۱).

۲. اشپولر با توجه به جایگاه بصره، دیگر بندرهای خلیج فارس را «پیش‌بندرهایی» برای بندر بصره دانسته است (اشپولر، ۱۳۷۳، ۲، ۲۲۵ـ ۲۲۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

متعادل نگاه می‌داشتند تا حرکتشان در دریا در برابر امواج و بادها آسان‌تر باشد و سرانجام سنگ‌ها را در بصره می‌ریختند و آرام ارام نام بصره بر این منطقه ماند (مقدسی، همان، ۱، ۱۶۲).

بخش غربی و شمال غربی بصره نیز از طریق خلیج‌ها و خورهای پرآب به دریا متصل می‌شد (حموی بغدادی، همان، ۱، ۵۵۴) و نقطه‌ای بود که کاروانیان و بازرگانان برای رفتن از غرب به شرق آن‌جا را «مدخل» و «ورودیِ» خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند می‌دانستند (مسعودی، همان، ۱، ۱۴۷؛ حموی بغدادی، همان، ۱، ۴۳۹؛ مقدسی، ۱، ۱۷۸)، هم‌چنین نزد کاروان‌هایی که از شرق آفریقا یا شرق آسیا به سوی غرب می‌آمدند، چنانچه مسیر خلیج فارس را برمی‌گزیدند، بصره «نقطه پایانی» دریا بود و در آن‌جا مستقر می‌شدند و کالاهای خود را تخلیه و از طریق قایق‌های کوچک‌تر یا از راه زمینی به دیگر نواحی می‌بردند.

در سیر تحولات تاریخی نیز بارها به فعالیت‌های تجاری در این مسیر اشاره شده است. نخستین گزارش‌های تاریخی در این‌باره از سال‌های نخست تأسیس بصره رسیده است؛ زمانی که عتبه از محل پایگاه جدید، در نامه‌هایش به عُمر، اوضاع بصره را گزارش می‌کرد. عتبه اشاره کرده است که با استقرار در محل جدید، افزون بر فراهم آمدن زمینه توسعه فتوحات تازه، بر «مسیرهای بازرگانی» چیره شده‌ایم. به گزارش دینوری، عتبه به عمر نوشت در محل جدید بر «مسیر کشتی‌های بازرگانی» مسلط شده‌ایم که از چین، هند، عمان، بندرهای فارس و بحرین می‌آیند و از این طریق دارایی‌ها و غنائم فراوانی به مهاجمان مسلمان رسیده است (دینوری، ۱۳۸۳، ۱۴۹). عتبه بن‌غزوان در فتح‌نامه‌هایش به عمر نوشته است که «در بصره دنیا به سوی مسلمانان رو آورده و در سیم و زر غوطه‌ورند» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ۱، ۵۲۵).

نافع بن‌حارث است نیز در مدینه از خلیفه چنین درخواست کرد: «ای امیر مؤمنان! من برای خود در بصره سر و سامانی داده و به بازرگانی مشغول شده‌ام. برای عتبهٔ بن‌غزوان بنویس که رعایت حال مرا کند و حق هم‌سایگی را مراعات کند» (دینوری، همان، ۱۴۹). عمر نیز به عتبه فرمان داده بود که با نافع هم‌کاری کند. بعد از این، نافع در آن‌جا به خانه‌سازی و تجارت پرداخت (بلاذری، همان، ۲، ۴۹۱؛ دینوری، همان،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

۱۴۹). بنابراین، مسلمانان در اندک زمانی پس از استقرار در بصره و با استفاده از جایگه ارتباطی و استعدادهای اقتصادی آن‌جا، به کارهای بازرگانی پرداختند. همه این روی‌دادها در سال‌های نخست سکونت مسلمانان در بصره رخ داد.

به گزارش متن‌های تاریخی، معاویه در ماجرای عملیات گرفتن سقلیه، جواهر و بت‌های فراوانی به دست آورد و برای دست‌یابی به درآمدی از فروش آنها، فرمان داد که جواهر را از طریق بصره برای فروش به هندوستان ببرند (یعقوبی، ۱۳۵۶، ۲، ۳۳۸). ابن‌خلدون گفته است که سفاح (۱۳۲– ۱۳۶ ق) خلیفه عباسی حارثهٔ بن‌خزیمه را به جنگ با خوارج فرستاد. وی به بصره آمد و با کشتی‌های آن‌جا برای نبرد با سلیمان بن‌هشام به جزیره ابن‌کاوان رفت. سلیمان همراه با خاندان و پیروانش از دست وی به هند گریخت (ابن‌خلدون، همان، ۲، ۲۶۱). این گزارش‌ها، از وجود امکانات ارتباطی میان بصره و کرانه‌های خلیج فارس با هند خبر می‌دهند. نویسنده *مروج الذهب* نیز می‌گوید: کشتی‌های بازرگانی حامل کالا و لوازم از دیار بصره تا نزدیک بندر خانفوا (بندرگاه کشتی‌ها) در چین به تجارت می‌پرداختند (مسعودی، همان، ۱، ۱۳۵– ۱۳۸). کشتی‌های بزرگ تجاری چوب درختان ساج را از هند به بصره و عراق می‌آوردند (همان، ۱، ۳۷۲). ارتباط بصره با بندرهای ساحلی هند و چین دو سویه بود و کشتی‌های فراوانی نیز از چین تا بصره می‌آمدند (همان، ۱، ۱۳۸؛ مسعودی، همان، ۵۴). نویسنده *مروج الذهب* می‌گوید: کسی از تاجران سمرقند که با کالاهای فراوان به عراق آمده بود، به بصره رفتت و با کشتی کالاهایش را به بندرگاه تجاری خانفوا برد (مسعودی، همان، ۱، ۱۳۸).

دیگر منابع نیز از آمد و شد کشتی‌ها از سرزمین هند و زنگبار تا جنوب عراق گزارش داده‌اند (طاهر مقدسی، ۱۳۷۴، ۲، ۶۰۲). بازرگانان بصره از طریق دریای سرخ با بندرهای آن‌جا مانند قلزم و یمن مرتبط بودند (مسعودی، همان، ۵۴؛ مقدسی، همان، ۱، ۹۳). بصره در نخستین سده‌های تاریخ اسلام از مراکز مهم تجاری به شمار می‌رفت که از کالاهای کشتی‌ها هندوستان و نواحی هم‌سایه، پر بود (یعقوبی، همان، ۱۳۹–۱۴۰). بنابراین، این شهر بر اثر جایگاه ارتباطی‌اش از طریق خلیج فارس با دیگر مناطق دوردست، روابط بازرگانی و تجاری داشته است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

کاربرد ابزارهای درخورِ این مسیرها در بصره، بر اثر استفاده از راه‌های آبی و دریایی در آن‌جا رواج داشت. مانند ابزارهای حمل و نقل دریایی با گنجایی‌های گوناگون و صنایع مرتبط با آنها. منابع تاریخی از انواع کشتی‌ها و قایق‌های باربری و مسافربری در مسیرهای دریایی بصره گزارش داده‌اند (بدیع، ۱۹۱۴م، ۸۳). بنابر آماری اغراق‌آمیز، چند صد هزار زورق و قایق در نهرهای بصره نیمه نخست قرن سوم هجری آمد و شد می‌کردند (همان، ۲۳). بنابر نوع سفر، برای حمل کالا یا مسافر و با توجه به دوری و نزدیکی مقصد و ژرفا و پهنای آب، وسائلی گزینش می‌شدند. به همین سبب، صنعت کشتی‌سازی و قایق‌سازی نیز در آن‌جا رواج یافت. معاویه برای سامان‌دهی کشتی‌سازی، کسانی را از کشتی‌سازان از عراق و بصره به شام برده بود (ملایری، همان، ۲، ۱۶۵ـ۱۶۶).

۲-۲. بصره به جای ابله

از دیگر ویژگی‌هایی که بر اهمیت و نقش ارتباطی بصره در نخستین سده‌های تاریخ اسلام می‌افزود، در دست گرفتن جایگاه ارتباطی و تجاری اُبُلّه بود که آرام آرام بصره جای‌گزین آن‌جا شد. ابله در ساحل غربی دجله، از بندرهای پر اهمیت منطقه بین النهرین جنوبی بود و بندری مهم از دید بازرگانی به شمار می‌رفت. ابله در شمالی‌ترین بخش خلیج فارس قرار داشت و واسطه رأس خلیج فارس و مناطق کرانه‌ای دجله و فرات در بین النهرین بود. بصره از دوران پیش از ورود مسلمانان بدان‌جا با نواحی دوردست شرق از دید بازرگانی پیوند داشت و لنگرگاه کشتی‌هایی بوده که به چین و هند رفت و آمد می‌کردند. به همین سبب آن را «فرج الهند» یا دروازه هند می‌خواندند. هم‌زمان با حضور مسلمانان نیز رفت و آمدهای تجاری از این بندر به دیگر بندرهای خلیج فارس،-بحرین، عمان و بندرهای شرق دور صورت می‌گرفت (بلاذری، همان، ۲، ۴۷۸-۴۷۹؛ ابن‌اثیر، همان، ۸، ۲۸۳-۲۸۴؛ طبری، همان، ۵، ۱۷۷۱). بصره نزدیک ابله بود و افزون بر راه زمینی، از طریق خلیج و نهرهای جاری میان آن دو، به یک‌دیگر مرتبط و متصل می‌شدند (حموی بغدادی، همان، ۱، ۹۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

با رونق گرفتن بصره، بندر تجاری ابله جایگاه خود را از دست داد[1] و اهمیت بصره فزونی گرفت. افزون بر ابله، بندرهای کوچک دیگری مانند مدائن، نهروان و دیر العاقول از اهمیت بازرگانی برخوردار بودند که با رونق‌گیری فراوان بصره، جایگاه آنها نیز فروکاسته شد و سرانجام از دست رفت.

۲-۳. مسیر ارتباطی بصره ـ بغداد

بصره با مناطق مهم سیاسی و اقتصادی پیرامونش پیوند نزدیکی داشت که یکی از آنها، بغداد بود؛ شهر اقتصادی و سیاسی مهمی که از سده دوم هجری به بعد به شهری بزرگ و پرجمعیت بدل گشت. بصره نیز بندر بازرگانیِ پررونقی به شمار می‌رفت و این دو، نیازهای یک‌دیگر را برمی‌آوردند. بنابراین، پیوندهای پایداری میان آن دو شهر برقرار بود. بغداد بر پایه نیازهای مختلف و متنوعش، بازار خوبی برای تاجران بصره بود تا در آن‌جا کالاهای ضروری و تجملی خود را عرضه کنند و بفروشند (مسعودی، همان، ۲، ۴۰۷–۴۰۸). به همین سبب همواره شمار فراوانی از بازرگانان بصره در بغداد به تجارت سرگرم بودند (یعقوبی، همان، ۶) و از سوی دیگر، بغداد از دید جغرافیایی، نقطه مناسبی بود که بازرگانان و کاروان‌های تجاری بصره می‌توانستند از آن‌جا با مناطق غربی و شمالی عراق مرتبط باشند. کشتی‌های تجاری که از شرق می‌آمدند، در بصره بار می‌انداختند و کالاهای خود را به بغداد می‌بردند و از آن‌جا نیز بخشی از آنها را به غرب

۱. اصلی‌ترین سبب در این‌باره، بدل شدن بصره به سکونت‌گاه و جای تجمع گروه‌های مختلف انسانی در دوران جدید بود. شمار فراوانی از مردم در آن‌جا ساکن شدند و خلیفه و حاکمان گمارده وی نیز به توسعه و تقویت بصره فرمان می‌دادند، اما تأثیر تجاری ابله از اواخر دوران ساسانی کاهش یافت و شمار فراوانی از ساکنان و فعالان تجاری آن‌جا بر اثر چیره شدن فضای سیاسی و نظامی بر این بندر، از آن‌جا کوچیدند. بنابراین، به‌رغم رفت و آمدهای مردم این سامان با نقاط دوردست، ابله «جمعیت و ثروت» پیشین خود را در دوره از دست داد و بصره، هر روز پر شمارتر تر می‌شد و کار و بار گروه‌های مختلفی در آن‌جا، به افزایش محصولات تولیدی‌اش می‌انجامید. خلفای نخستین نیز بر توسعه آن‌جا تأکید می‌کردند و به همین سبب امکانات بیشتری در بصره پدید آمد. هم‌چنین بصره از دید جایگاه طبیعی، بر مسیرهای آبی جنوب بین النهرین به شمال و جنوب (خلیج فارس)، چیره‌تر بود و رود و دریا را بهتر از دیگر جای‌ها، به یک‌دیگر می‌پیوست.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

و شمال منتقل می‌کردند. هم‌چنین بغداد بارانداز کالاهایی بود که از غـرب می‌آمـد و از آن‌جا به بصره؛ سپس از طریق خلیج فارس به مناطق شرقی منتقل می‌شد. مورخـان بـه لنگرگاه‌هایی در بغداد اشاره کرده‌اند که کشتی‌های تجاری موصل و بصره برای حمل و جابه‌جایی کالا در آن‌جاها می‌ایستادند (حموی بغدادی، همان، ۱، ۳۹۲).

ارتباطات زمینی و آبی مناسب میان این دو منطقه، از عوامل مهمی بـود کـه زمینـه را برای روابط تجاری نزدیک بصره و بغداد فراهم می‌کـرد. ایـن ارتبـاط فرآینـد مبـادلات تجاری را میان این دو منطقه به بهترین صورت تسـهیل می‌کـرد. رودخانـه‌های پـر آب دجله و فرات میان بصره و بغداد به سبب ژرفای مناسب آب، آمد و شد را میان این دو منطقه آسان کرده بود. دجله و فرات از کیلیکیه در دربند ارمنستان سرچشمه می‌گرفتنـد و با پیمودن راه درازی به سوی جنوب، پس از گذشتن از بغداد و دیگر شهرهای شمال بصره، در قورنه بـه هـم می‌پیوسـتند (اسـترآبادی، ۱۳۷۷، ۷۸۳؛ قزوینـی، همـان، ۳۶۸) و رودخانه بزرگ اروندرود را پدیـد می‌آوردنـد. کاروانیـان و سـاکنان بصـره از طریـق این رودها پیوسته با بغداد و سامرا مرتبط بودند و کالاهای فراوانـی میـان سـاکنان آنهـا مبادله می‌شد.

نهرها و شـعبه‌های بـزرگ و کوچـک ایـن رودهـا نیـز پیرامـون بصـره جـاری بـود (مسعودی، همان، ۱، ۱۰۳). شمار این نهرها را چندین هزار دانسته‌اند (مجمل التـواریخ، بی‌تا، ۵۱۳؛ قمی: ۱۳۶۱، ۸۴۱)، بیشتر آنهـا بـه صـورت شـبکه‌ای بـا یـک‌دیگر مـرتبط بودند و به دریا متصل می‌شدند. این منطقه پوشیده از رودها و نهرها، زمینه درخوری را برای ارتباط و رفت و آمدهای آبی فراهم آورده بود و زورق‌هـا و کشـتی‌های تجـارتی فراوانی از هندوستان، چین، بندرهای فارس، عمان و...، در آن نهرها می‌راندنـد (بـدیع، همان، ۲۳).

بر پایه فراوانی، ژرفا و گستره آب، وسائل خاص دریـایی ماننـد زورق، قـایق، بلَـم، جهاز یا لنج، به انگیزه جابه‌جایی کالا یا مسافر در آنها تردد می‌کردند. این رود تا بغـداد و فراتر از آن نیز جاری بود و از این‌رو، کشـتی‌های بزرگـی کـه از دریـا می‌آمدنـد، در بصره می‌ایستادند؛ سپس از آن‌جا از طریق این رودها و نهرها با قایق و لنج‌هـای ویـژه، کالاهای خود را به دیگر جای‌ها می‌بردند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

منابع به صراحت و بارها از «روابط تجاری بصره و بغداد» یاد کرده‌انـد کـه حمـل و انتقال کالاها میان بصره ـ بغداد از این طریق صورت می‌گرفت (مستوفی بـافقی، ۱۳۴۲، ۳، ۷۷۷؛ یعقوبی، همـان، ۳۶ تـا ۳۸؛ ملایـری، همـان، ۲، ۲۳۴). هم‌چنـین بـه کالاهـای تجاری در دوران مامون اشاره کرده‌اند که از بصره به بغداد می‌رفت (مسـعودی، همـان، ۲، ۴۰۸-۴۰۷). نیز مسافرانی که با کشتی میـان بغـداد بـه بصـره می‌رفتنـد و می‌آمدنـد (یعقوبی، همان، ۲، ۴۱۳). مسعودی درباره ارتباط بصره با بغداد و نیاز آنها به یـک‌دیگر گفته است که در ماجرای درگیری مأمون و برادرش محمد، طاهر سردار سپاه مأمون بـا قطع ارتباط بصره با بغداد، از این طریق راه لوازم و آذوقـه را کـه از بصـره می‌آمـد، بـر بغدادیان بست و آنان نیز بـه سـختی دچـار شـدند (مسـعودی، همـان، ۲، ۴۰۷-۴۰۸). هم‌چنین به کالاهایی در دوران معتصم عباسی اشاره کرده‌اند که بـا کشـتی از بصـره بـه بغداد می‌رفت (بلاذری، همان، ۵۲۴). منابع گوناگون درباره آمـد و شـد کشـتی‌ها میـان بصره و بغداد و شهرهای میانی آنان اشاره کرده‌اند که به کارهای بازرگانی سرگرم بودند (ابن‌خلدون، همان منبع، ۲، ۱۰۸؛ ابن‌مسکویه، ۱۳۶۹/ ۱۳۷۶، ۶، ۱۸۴؛ مسعودی، همـان، ۲، ۶۳۳-۶۳۴- ۴۰۳). بغداد از میانه قرن دوم هجری به بعد بغداد بـه کالاهـای بصـره و خلیج فارس سخت نیاز داشت و پیوند تنگی میان این دو شهر برقرار شده بود.

۲-٤. ارتباط بصره با دیگر نواحی

اهواز و دیگر شهرهای پیرامونش (شوشتر، شوش، دورق، رامهرمـز و...)، منطقـه‌های اقتصادی مهم با ارزش اقتصادی فراوان بودنـد (مقدسـی، همـان، ۲، ۶۰۸-۶۰۹- ۶۱۳-۶۱۵). بصره نیز بر اثر نزدیکیِ راه، وجود راه‌های زمینی و آبی، تولیـدات و محصـولات فراوان کشاورزی، با این منطقه روابط نزدیکـی برقـرار کـرده بـود. پیونـد کـارون (کـه از نواحی خوزستان می‌گذرد) و اروننـد رود، نهرهـا و رودخانـه‌های فراوانـی کـه میـان اهواز و بصره جاری بودند، زمینه ارتباط دریایی مناسبی میان بصره، اهـواز و شـهرهای آن نـواحی فـراهم آورده بـود (مسـعودی، همـان، ۱، ۱۰۳؛ بـدیع، همـان، ۸۱). رودهـا و نهرهای آن منطقه اهمیـت اقتصـادی فراونـی داشـت و کارهـای تجـاری و معیشـتی بسیاری، در این رودها صورت می‌پذیرفت. رودخانه معقل (که در شـمال شـرق بصـره به سوی خلیج فارس می‌رفـت)، در قـرن دوم و سـوم هجـری شـاه‌راه تجـارت بصـره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

و خوزستان بود و کشتی‌های بزرگ تا اواخر قـرن سـوم در آن رفـت و آمـد می‌کردنـد (قمی، همان، ۸۴۱). بصره با بسیاری از نواحی خوزستان همچون اهـواز، کـوره ششـتر، جندی شاپور، شوش، عسکر، دورق و رامهرمز از دید بازرگـانی پیونـد داشـت (طـاهر مقدسی، همان، ۲، ۶۰۳).

منابع از مسیری دریایی میان بصره و اهواز یاد کرده‌اند که از محل‌هایی نظیر باسیان و دیار قندر به سوی دورق می‌گذشت (مسعودی، همان، ۱، ۱۱۴). راهی تجاری و باربری نیز میان واسط، بصره و اهواز بر قرار بود که رفـت و آمـدهای تجـاری فراوانـی در آن صورت می‌گرفت (ابن‌مسکویه، همان، ۶، ۱۶۹ـ۲۲۲). مقدسی گفته است که کالا و «مال التجاره»های بسیاری همواره از سـاحل‌های اهـواز بـه مقصـد بصـره بـارگیری می‌شـد (مقدسی، همان، ۲، ۶۱۵). کالاهای فراوانی از مناطق داخلی ایـران بـه اهـواز می‌رفـت؛ چنان‌که اهواز بارانداز فارس و اصفهان به شمار می‌رفت و کالاها را از آن‌جـا بـه بصـره می‌بردنـد. بـه همـین علـت، اهـواز را «انبـار بصـره» خوانده‌انـد. هم‌چنـین بسـیاری از کشتی‌های تجاری بصره به آبادان نیز می‌رفتند؛ چنان‌که آبادان به لنگرگاه بصره معـروف بود (بدیع، همان، ۳۹). بازرگانان کالاهای فراوانی را از شـهرهای خوزسـتان بـه بصـره می‌بردند و شمار فراوانی از آن کالاها از بصره به دیگر مناطق صـادر می‌شـد. بنـابراین، بصره و خوزستان دو منطقه مهم اقتصادی با روابط تجاری گسـترده و مبـادلات فـراوان زمینی و دریایی، بودند.

بصره با دیگر مناطق همچون بحرین، مکه و مدینه نیز روابط گسترده‌ای در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی داشت. عمان به‌ویژه بحـرین در کرانـه‌های جنـوبی خلیج فارس از مناطقی بودند که روابط تجاری بسیار نزدیکی با بصره داشتند و پیوسـته کاروان‌های تجاری میان آن دو منطقه آمد و شد می‌کردند.

بصره از سده دوم به بعد بر اثر ویژگی ارتباطی‌اش، مرکز تجمع کاروان‌هـای حُجـاج حجاز بود. خلفای عباسی نیز از مسیر بصره به مکه می‌رفتند (یعقـوبی، همـان، ۲، ۳۹۹؛ بدیع، همان، ۲۱). حاجیان تا قرن‌های بعد نیز از طریق بصره به زیارت کعبـه می‌رفتنـد. بنابراین، بصره در سده‌های نخستین تاریخ هجری، بر پایه جایگاه ارتباطی‌اش با نـواحی چهار سوی خود از طریق راه‌های زمینی و دریایی دور و نزدیک مرتبط بـود و رفـت و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

آمدهای فراونی میان آنها صورت می‌گرفت.

نتیجه

بصره در آغاز دوران اسلامی بر اثر جایگاه مطلوب ارتباطی‌اش، نزد خلیفه دوم و فرماندهان مسلمان مهم می‌نمود و از این زمان به شهر بزرگ و بندر تجاری مهمی بدل گشت. برخورداری بصره از ویژگی ارتباطی و مواصلاتی با نواحی دور و نزدیک، در رشد و توسعه آن بسیار تأثیر گذارد؛ زیرا از سوی از راه زمینی با مناطق هم‌سایه‌اش مرتبط می‌شد و از سوی دیگر، کنار رودهای بزرگ دجله و فرات و دریای خلیج فارس قرار داشت رفت و آمد را به نواحی دور و نزدیک امکان‌پذیر می‌کرد. چنین ویژگی‌های مطلوب ارتباطی موجب شده بود که در تحقق هدف‌های سیاسی و نظامی و پیش‌بُرد مقاصد تجاری و اقتصادی، تأثیرگذار باشد. از این‌رو، در نیمه نخست سده اول هجری زمینه را برای تحقق هدف‌های فرماندهان نظامی مسلمان و توسعه فتوحات به سمت شرق و اداره مناطق مفتوح، فراهم آورد. از دید تجاری نیز در قرن دوم و سوم هجری بر اثر داد و ستد مردمان بصره با نواحی دور و نزدیک، این شهر به کانونی از مهم‌ترین کانون‌های تجاری خلیج فارس بدل شد. مناطق هم‌سایه آن‌جا، رابطه تجاری بسیار نزدیکی با بصره داشتند و از آن‌جا با دیگر بندرهای خلیج فارس و نواحی دورتر مرتبط بودند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

کتاب‌نامه

ـ اقتداری، احمد (۱۳۸۹)، *خلیج فارس؛ از دیرباز تاکنون*، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.

ـ ابن‌العبری (۱۳۷۷)، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ـ اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میر احمدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ـ ابن‌خلدون (۱۳۶۳)، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ـ ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *الکامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

ـ استرآبادی، میرزا مهدی (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، تحقیق و تصحیح سید عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ابن‌مسکویه، احمد بن‌علی (۱۳۶۹ / ۱۳۷۶ ق)، ترجمه ابو القاسم امامی و علی‌نقی منزوی، تهران، سروش / توس.

ـ بدیع، آقا میرزا حسن‌خان (۱۹۱۴ م)، *تاریخ بصره*، کلکته، بی‌نا.

ـ بلاذری، احمد بن‌یحیی (۱۳۴۶)، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

ـ حموی بغدادی، یاقوت (۱۳۸۳)، *معجم البلدان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

ـ دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۳)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

ـ شبانکاره‌ای، محمد بن‌علی بن‌محمد (۱۳۸۱)، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

ـ طاهر مقدسی، مطهر (۱۳۷۴)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
ـ طبری، محمد بن‌جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
ـ قزوینی، زکریا بن‌محمد (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، تهران، امیرکبیر.
ـ قمی، حسن بن‌محمد بن‌حسن (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن عبدالملکی قمی، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، تهران.
ـ کینگ، لئوناردو ویلیام (۱۳۷۸)، *تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
ـ مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
ـ بی‌نا، (بی‌تا)، *مجمل التواریخ و القصص*، تحقیق ملک الشعرا بهار، تهران، کلاله خاور.
ـ مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۴۲)، *جامع مفیدی*، تصحیح ایرج افشار، تهران، اساطیر.
ـ ملایری، محمدمهدی (۱۳۷۹)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران، توس.
ـ مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
ـ مسعودی، علی بن‌حسین (۱۳۴۷)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
ـ محمودیان، حبیب الله (بهار و تابستان ۱۳۸۰)، «ارتباط سیاسی اقتصادی تمدن‌های ایلام و بین النهرین در ادوار قبل از میلاد»، *فرهنگ ایلام*، شماره ۵ و ۶.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]

ـ مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶)، *تاریخ و تمدن بین النهرین*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
ـ مکی، محمدکاظم (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت.
ـ یعقوبی، احمد بن‌ابی‌یعقوب (۱۳۵۶)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.6.6]